



## زن در نهج البلاغه) جلوه ای از زیبایی حقیقت

پدیدآورنده (ها) : رهنورد، زهرا  
میان رشته ای :: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی :: سال 1380 - شماره  
160  
از 68 تا 74  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1072491>

دانلود شده توسط : مریم احتسابی  
تاریخ دانلود : 12/11/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## زن در نهج البلاغه (جلوه‌ای از زیبایی حقیقت)

دکتر زهرا هنورد

ریس دانشگاه الزهرا(س)

آن چه که این جانب می‌خواهم درباره‌ی آن سخن بگویم، مطلب جدیدی نیست و صاحب نظران درباره‌ی آن سخن‌ها گفته‌اند. آن چه که در مطالعه‌ی سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به نظر می‌رسد، این است که آن نظریه‌ها با قرآن مجید در تضاد است و آن نگاه بلندی که قرآن به زن دارد در نهج البلاغه به چشم نمی‌خورد. البته این سخن مطلق نیست. یعنی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه دیدگاه‌هایی را نسبت به زنان نشان می‌دهد که در آن دیدگاه‌ها تا حدودی به قرآن کریم نزدیک می‌شود. ولی نگاهی که قرآن به زن با نگاهی که آن حضرت به زن دارد، متفاوت است. این سؤال همواره برای من مطرح بوده است که چگونه اولین تربیت یافته‌ی قرآن و پیامبر (ص) و اولین مرد مسلمان و مؤمن و اولین انسانی که تمام هستی و زندگی خود را صرف اسلام کرده است، دارای نگرش متضاد با قرآن و شخص پیامبر (ص) و رفتار وی داشته باشد.

در حقیقت من می‌خواهم یک نگاه امروزی به برخی از مسائلی که در نهج البلاغه مطرح است، داشته باشم. چنان که می‌دانید، نظریه‌های فمینیستی درباره‌ی زن، سؤالاتی را مطرح می‌کند که آن سؤالات خیلی مشهورند؛ از قبیل: وضعیت زنان در تاریخ چگونه بوده است؟ سهم زنان در جامعه چیست؟ کدام مکتب و مرام و روش، زنان را خوش بخت می‌کند؟ لیبرالیسم، مارکسیسم، فمینیسم، مدرنیسم و یا اسلام؟

البته این جانب به عنوان یک زن مسلمان، معتقدم که اسلام زن را خوش بخت می‌کند و به عنوان کسی که دارای تجربه‌ی سیاسی و اجتماعی است و کارهایی را درباره انجام داده است، یاد آور می‌شوم که باید با قرائتی جدید به قرآن نگرسته شود. هم چنین از تمام تجارب مثبت و عالی که در جهان وجود دارد، به عنوان تجاربی که در دل و قلب اسلام جای می‌گیرد، استفاده شود.

به عنوان مثال من کتابی با عنوان: «حکمت هنر اسلامی» نوشته‌ام که تقریباً در تمام دانشگاه‌های تهران آن را تدریس می‌کنم. بنده به دانشجویان سفارش می‌کنم در مواردی از قبیل: مسایل سیاسی و هنر مارکسیستی در کلاس بحث کنند و معمولاً این سؤال برای دانشجویان مطرح است که چگونه؟ در جواب می‌گویم که: اسلام دینی است با افق‌های باز و فراخ و در آن همه چیز از قبیل: زیبایی و انتقاد و غیره وجود دارد. این اسلام است که هابیل و قابیل، یوسف و ذلیخا و یک پیامبر و یک اشراف زاده را در یک سوره مطرح می‌کند. همان اسلامی که از عالم ذر شروع می‌کند و دنیا و طبیعت و جامعه و تاریخ و سیرو فی الارض را مطرح می‌کند و به روز باز پسین باز می‌گردد. قرآن و اسلامی که من می‌شناسم تا این مقدار وسیع است. پس برای شما این عجیب نیست برای کسی که می‌خواهد راجع به هنر اسلامی صحبت کند. راجع به فمینیسم و نقش آن در مساجد اسلامی هم صحبت کند. چگونه است که در بیش‌تر کشورهای اسلامی از جمله ایران، طبقه‌ی دوم مساجد که کوچک‌تر است، مخصوص زنان است در حالی که راه پله‌هایی تاریک و تنگ دارد و هر پیرزنی که بخواهد از آن‌ها بالا برود، قلبش می‌گیرد و در وسط راه غش می‌کند و می‌افتد. هم چنین زنان باردار و بچه دار نیز نمی‌توانند از آن پله‌ها بالا بروند. شما که دَرستان حکمت و هنر اسلامی است و من دیر شما هستم عجیب است که بخواهیم راجع به فمینیسم و جایگاه زن در مساجد اسلامی بحث کنیم. بگذریم از این که زن می‌خواهد خود و بچه‌هایش را هم به مسجد برساند و با داشتن بچه‌شان رفتن به مسجد را از او می‌گیرد. به مینیاتورهایی که مایه‌ی افتخار ما در سطح فرهنگ هنر و جهان است، نگاه کنید و ببینید که اکثر زن‌ها چگونه حاضر می‌شوند یا معشوقه یا خدمتگذار و یا رفاصه‌باشند. هم چنین مشاهده می‌شود که زن‌ها در همه جا حضور

دارند. این در حقیقت مقوله‌ی بحث جامعه‌شناختی و در عین حال، فمینیستی امروزی است. بنابراین به این دلیل همه‌ی تجربه‌های خوب و همه‌ی نقدها می‌تواند در قلب اسلام جای بگیرد؛ زیرا اسلام افقی باز دارد اولین تجربه را خود قرآن کریم به ما ارایه کرده است.

اولین نکته‌ی مثبتی که راجع به زن در باره‌ی دیدگاه‌های حضرت علی (ع) می‌خواهم مطرح کنم، این است که امروزه یکی از بحث‌های فمینیستی جهان که در همه‌ی کنوانسیون‌ها مطرح می‌شود، بحث ضد خشونت و قراردادهای ضد خشونت است. متأسفانه در فرهنگ حاکم بر رفتار خانوادگی ما، حضرت علی (ع) دو کارا کتر دارد. یکی: آن مولایی است که ما سر به پایش می‌ساییم. دیگر: آن جاکه هر وقت آقایان اراده کردند از خانم‌ها می‌گیرند، می‌گویند که: مگر حضرت علی نفرموده است... بی خود نیست که تو این جا اشتباه کردی؛ برای همین ناقص العقل هستی. چرا به آن فروشگاه بزرگ رفتی؟ آن فروشگاه مرکز تجارت سرمایه داران است و تو رفتی آن جا، پول‌ها را خرج کردی؛ پس ناقص العقلی هم حقتان است.

هرگز آن جایی که مولا فرمود: در زمان جاهلیت مردان، زنان را می‌زدند و خشونت نشان می‌دادند و ما مانع می‌شویم، آن را یاد آور نمی‌شوند. مردی که با زن و فرزند خود این گونه رفتار می‌کند، در حقیقت بالاترین حکم ضد خشونت را بیان نمی‌کنند و علت آن این است که رفتار عامیانه‌ی ما این طور شکل گرفته است.

علی (ع) آن مولایی است، دست نیافتنی و یک فردی است که هر جا زشت‌ترین اندیشه‌ها و افکار خاص را داشته باشیم فوری از آن سند و مدرک درست کنیم؛ سند و مدرکی که نمی‌دانیم از کی و از کجا آمده است و به درست و غلط بودنش کاری نداریم. به همین دلیل ابتدا یک چهره‌ی لطیف حضرت علی (ع) را با آن سرمایه‌ی اندک که در مقابل شما بزرگان دارم مطرح می‌کنم.

امیر مومنان (ع)، در نامه‌ی چهارده نهج البلاغه می‌فرماید: زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هر چند که آبروی شما را بریزند. آنان در نیروی بدن کم توان هستند. در روزگار جاهلیت زنان مشرک بودند و ما مأمور بودیم از آزارشان جلوگیری کنیم. اگر

مردی با سنگ و چوب به زن و فرزندانش حمله ور می‌شد ما او را سرزنش می‌کردیم. در نامه‌ی چهارده نهج البلاغه، ایشان می‌فرماید: بیت المال سهم بیوه زنان و یتیمان است؛ پس چگونه مثل گرگ گرسنه‌ای که گوسفندی را با استخوان شکسته می‌رباید، مال او را به یغما می‌برد. یعنی علاوه بر آن نگاه با شفقت و مهربان، یک نگرش توزیع عادلانه نیز وجود دارد و مثالی را که بیان می‌کند. به بیوه زنان و یتیمان اشاره می‌کند. در مورد آن خلخال هم خبر دارید که مردی از لشکر به خانه‌ی زنی مسلمان و غیر مسلمان که در پناه اسلام بودند وارد شد، و خلخال و جواهرات آنان را غارت کرد و آن دو زن کاری جز گریه و زاری نتوانستند انجام دهند. نکته‌ی نکته‌ی کلمه‌ها مانند این است که الان در زمان ماهواره و طیاره، پُست مدرنیسم و خشونت‌های موجود در جوامع الکلی امروز نازل شده است. اگر مرد مسلمانی به سبب این حادثه‌ی تلخ بمیرد هرگز ملامت نخواهد شد. به خدا سوگند که این واقعیت قلب مرا می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند.

چرا این رفتار حضرت را سرلوحه‌ی رفتار ضد خشونت قرار ندهیم. حرف من همیشه این بوده است که چرا در قوانین نمی‌آید که زدن زن جرم محسوب می‌شود. چه قدر در کنفرانس‌های دیگران این موضوعات را ببینیم و بشنویم؟ چرا باید سخنان خوب و زیبای اسلام را دیگران برای ما بازگو کنند؟ چرا تا حرف از مساوات و برابری می‌شود، همه‌ی ما وحشت می‌کنیم. اصلاً به نظر من مساوات در اسلام وجود ندارد؛ و دفاع از زن شدیدتر است و به نفع او می‌باشد. یعنی آن چیزی که مرحوم طالقانی (ره) فرمود: اگر آقایان بدانند که در اسلام چه حقوقی برای زن در نظر گرفته شده است، معترض می‌شوند. اسلام حقیقی آن است؛ نه اسلامی که به نفع برداشت‌های طبقاتی، جنسی، سیاسی می‌باشد.

به توضیح چهره‌ی دیگر حضرت علی (ع) می‌پردازیم. حضرت در عصر و دوره‌ی زندگی می‌کرد که بعد از ۲۵ سال سکوت، حکومت را به دست می‌گیرد و من نام آن دوره را «عصر بازگشت» گذاشته‌ام. بازگشت به ارزش‌های جاهلی که به جنگ با آن حضرت برخاستند و این یک حادثه‌ی عجیب و غریب است. کسانی که نام آن‌ها با

عزت و احترام در قرآن مطرح می‌شود با علی (ع) به جنگ بر می‌خیزند. دقت کنیم که جامعه به کجا می‌تواند برسد.

به بحثی در خصوص جامعه شناختی زمان بند اشاره می‌کنم. من با توجه به مطالعاتم در دو فضای متفاوت قرار گرفته‌ام؛ یکی: فضایی سرشار از عطوفت و مهربانی و سفیدی. این یک نگاه حضرت علی (ع) است؛ چه نگاه فلسفی، عرفانی، و چه نگاهش به رستگاری و سعادت بشری. در دیگری: فضای پارادوکس و فضایی با نگاهی بسیار تاریک و سیاه.

زمانی که حضرت علی (ع) حکومت را در دست می‌گیرد، زمان رجعت است و ایشان باید زیبای‌ها و خوبی‌ها را نزدیک کند و زشتی‌ها و پلیدی‌ها را کنار بزند. افراد نیکوکاری که به عقب رانده شده‌اند دوباره به کار دعوت کند و کسانی را که خود را پیشتر قرار داده‌اند به عقب رانده شوند. این یک نگاه حضرت علی (ع) است که کاملاً تاریک است. پس یک نگاه پارادوکسی است. نور و روشنایی و تاریکی سیاهی هم هست و زن و مرد هم برایش معنا ندارد. آن جا که می‌فرماید: ای عقل‌های غایب! چشم‌های حاضر! آیا این خطاب به چه کسی است؟ آن‌هایی که تا دیروز جز مهاجران و انصار بوده‌اند، امروز بر روی آن حضرت شمشیر کشیده‌اند. علی (ع) که با اقوام خود این‌گونه رفتار می‌کند، طبیعتاً رفتارش با زنان به گونه‌ای دیگر خواهد بود.

در خطبه‌ی شانزده نهج البلاغه، بحث ریویزیونیسم را مطرح می‌کند و می‌گوید که: آگاه باشید سیه روزی‌ها و آزمایش‌ها، همانند دوران بعثت پیامبر فرار سیده است. قسم به خداوندی که حضرت محمد (ص) را برانگیخت، اگر من مشغول کار شوم، شما سخت آزمایش خواهید شد. چنان آزمایشی که مانند دانه‌ای در غربال و یا غذایی در دیگ زیرورو و درهم خواهید شد. آن‌ها که در پایین قرار دارند بالا بیایند و آن‌ها که از روی ناحق بالا آمده بودند، سرازیر پایین شوند و سابقونی که عقب رانده شده‌اند در صدر قرار گیرند و در مقابل کسانی که به ناحق در صدر قرار دارند، کنار گذاشته شوند.

یکی دیگر از سخنان ایشان آن است که: به خدا سوگند هر ملتی در خانه‌ی خود مورد هجوم و تجاوز قرار گیرد، خوار و ذلیل می‌شود. اما شما خواری و سستی به خرج

دادید تا دشمن به شما حمله کرد و سرزمین‌های شما را اشغال کرد. در جایی دیگر می‌فرماید که: اکثریت مردم در اطراف سفرهایی جمع شده‌اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است. روزگاری خواهد آمد که فقط سخن چینان و بدکاران هرزه، مورد احترام باشند و در مقابل، افراد عادی و خیر، خوار و ناتوان گردند و کمک به نیازمندان خسارت، پیوند خویشاوندان منت‌گذاری و عبادت نوعی برتری جویی است. با یک چنین شرایطی متوجه خواهید شد که نگاه حضرت علی (ع) نگاهی است که نور و تاریکی را با هم می‌بیند.

اکنون اگر خواسته باشیم راجع به زن صحبت کنیم، زن مورد نظر و ایده‌آل آن حضرت چگونه زنی است؟ او که زن را ناقص العقل و مشورت با زنان را توصیه نمی‌کند و با توجه به دو خطبه‌ای که بعد از جنگ جمل و صفین بیان می‌کند، آیا زنی ایده‌آل را دارد یا نه؟ در حقیقت این همان جایی است که من فکر می‌کنم، آن نگاه سیاه حضرت علی (ع) در باره ی زن، نگاه روشن و نورانی خود را بر ملا می‌کند. آری ایشان زنی ایده‌آل دارد؛ و قرآن هم آن را به صراحت مطرح می‌کند.

در نامه‌ی بیست و هشت، خطاب به معاویه می‌فرماید: بهترین زنان جهان از ما هستند و زنان هیزم‌کش دوزخ از شما. پس از دید ایشان، بهترین زنان وجود دارند و این نگاهی مطلق و یکدست نیست. آن حضرت، شخصی آرمانگر و متعهد به آرمان‌ها و عاشق زیبایی‌ها و پاکی‌ها است.

در نهج البلاغه، زن ایده‌آل در دو جا قدم به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. زمانی که حضرت زهرا (س) را به خاک می‌سپارد؛ آن جا که می‌فرماید: ای پیامبر خدا! دوباره صبر و بردباری خود را از دست دادم و با از دنیا رفتن حضرت فاطمه زهرا (س) صبر و طاقتم کم شده است و توان خویشتن‌داری را از دست داده‌ام. امانتی را که به من سپرده بودی به سوی شما بازگرداندم و به صاحبش رسید و از این پس اندوه و غم من جاودانه خواهد شد و شب‌ها را با شب زنده‌داری سپری خواهم کرد.

این غم و اندوه آن حضرت، برای آن زن ایده‌آلی است که او را می‌شناسد و برای او ارزش قائل می‌شود و نسبت به آن آرمان بلند زنان را بررسی می‌کند و زنان دیگر آن

روزگار را زنانی می‌بیند که به آن زن ایده‌ال نزدیک نیستند. هر چند که در آن زمان، زنانی در رکاب آن حضرت در جنگ‌ها حضور داشتند و در کنار او سرود و رجز می‌خوانند و پیش می‌رفتند و سرگذشتشان در تاریخ آمده است.

به نظر من حضرت علی (ع) نسبت به زن، دو تحلیل و نگاه دارد؛ یک نگاه این است که: بگوییم این خطبه‌ها و نامه از آن حضرت نیست و خود را راحت کنیم؛ و سند معتبری نداریم که از ایشان باشد. ان شاء الله که همین طور باشد. فرض کنیم که سند هم داشته باشد، باز به نظر من مسأله کاملاً واضح و روشن است و نگاه ایشان نگاهی به زمان بازگشت است و از آن جایی که همه‌ی نگاه‌ها به زن دوخته شده است ما به این حساس هستیم و گرنه خطاب‌هایی که به مردان هم می‌کند، چندان زیبا و جالب نیست. فقط در مواردی خاص به مردان خطاب‌هایی زیبا و جالب دارد.

امیدوارم که رهرو زنان ایده‌ال آن حضرت باشیم و این جلسات مفید باشد تا یک فعالیت قانونی برای رشد زنان و فعالیت فرهنگی موثر باشد. در ضمن نگاه آن حضرت به وقایع اجتماعی نیز یک نگاه پارادوکسی است، یعنی هم سیاهی‌ها و هم روشنی‌ها را در جامعه می‌بیند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی